



متمرکز ساختن مدیریت امور کشور به سرنوشت برجام و حداکثر استفاده از ظرفیت اقتصادی کشورهای منطقه و همسایه برخی از سیاستهای راهبردی دولت سیزدهم به شمار می‌آیند، این روند را چگونه ارزیابی کرده و برای تسریع در اجرای این تدابیر چه باید کرد؟

در حال حاضر با وضع موجود اقتصادی کشورمان، می‌خواهیم منفعتی از همکاری با کشورهای برجسته نظیر چین و روسیه داشته باشیم. درگام اول باید توافقنامه خود با چین را به خوبی اجرا کنیم. با این توافقنامه اگر قرار است در ۲۵ سال، حدود ۵۰۰ میلیارد دلار چین در ایران سرمایه‌گذاری کند، سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. اگر سالیانه این میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران صورت بگیرد، به طور یقین رشد اقتصادی کشورمان با همین وضع تحریم‌ها بیش از ۶ تا ۷ درصد می‌شود. بنابراین تمرکز توان دولت برای اجرای این توافقنامه الویت بنیادین به شمار می‌آید. همچنین در این روند می‌توانیم یک توافقنامه با روسیه داشته باشیم که براساس آن روسیه سالانه چند میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند. الزاماً نمی‌گوییم روسیه

تحریمی برطرف شد یا مجدد برجام اجرایی شد کشور منفعت حداکثری از آن ببرد. در واقع چنین قاعده‌ای در سیاستگذاری عاقلانه است. اینکه فقط امروز را ببینیم و ندانیم فردا چه اتفاقی خواهد رخ داد، امری منطقی نیست. سیاستگذاری که بخواهد برنامه خود را این گونه تنظیم کند که حتماً شش ماه دیگر با افزایش فروش نفت مواجه هستیم، بنابراین در بودجه به جای اینکه در آمد نفت را براساس شرایط کشور مد نظر قرار دهد چندین برابر بیشتر پیش بینی کند، این سیاستگذار به دشمنی که در مقابل ما قرار دارد اعلام می‌کند تشنه این هستیم که بیاییم با تو توافق کنیم. اتخاذ چنین بی‌تدبیری توسط دولت قبل از ابتدا سیاستی غلط بود. با چنین حرکتی به دشمن اعلام می‌کنیم که نیازمند توافق با تو هستیم. زمانی که یک صلح موقتی و توافق اولیه در برجام صورت گرفت باید قبل از آن طوری برنامه‌ریزی داشته که نقاط حساس سیاستگذاری‌های خود را به دشمن نمایان نکنیم. به عنوان نمونه در خصوص قیمت نفت با در نظر گرفتن مبلغ آن در بودجه در واقع اعلام می‌کنیم که فروش نفت اضافه می‌شود. در نتیجه قیمت آن افزایش یافته و درآمد ارزی بیشتر خواهد شد. این شکل از سیاستگذاری حرکت بسیار نادرستی بوده که دولت قبل حداکثر توان خود را برای اجرای این بی‌تدبیری مد نظر قرار داد.